

# حقوق شهروندی و جایگاه آن در اسلام

یونس عرب عامری<sup>۱</sup>، راحیل عرب عامری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۳/۱۸

## چکیده

حقوق شهروندی اصطلاحی است که چند سال گذشته در ادبیات حقوق سیاسی کشورمان بسیار رواج یافته و در محافل دانشگاهی، میان روشنفکران و صاحبان قلم و اندیشه رونق بسیار پیدا کرده است. در تعریف حقوق شهروندی می‌گوییم مجموعه حقوقی است که در جوامع مختلف و در قوانین مربوطه برای افراد ساکن یک شهر و یک کشور در نظر گرفته شده و در چهار چوب حقوق بشر قرار می‌گیرد و در واقع همان حقوق بشری است که اتباع یک کشور مطابق قانون برخوردارند، در حقوق شهروندی، شهروند به عنوان انسان متمدن در اولویت قرار دارد. بدیهی است تحقق این مسأله مانند حقوق بشر بستگی به رویکرد مسئولان و متصدیان حکومتی اعم از شهری و یا کشوری دارد. نتایج حاصله از یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که در دین مبین اسلام نه تنها به حقوق شهروندی کم توجهی نشده بلکه برای آن اهمیت زیادی قایل شده و پیامبر اکرم و امامان معصوم به دفعات به آن اشاره کرده و برای آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: حق، حقوق، شهروند، حقوق شهروندی.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد حقوق خصوصی.

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد حقوق خصوصی.

## مقدمه

در مقام مقایسه جایگاه حقوق شهروندی در میان ادیان و مکاتب بشری، اسلام در عالی‌ترین مرتبه قرار دارد، چه آن‌که به انسان در مقام «خلیفه الهی» حقوق و آزادی‌های اجتماعی را داده و در عین حال او را مسئول و مکلف به شناختن خیر خود و دیگران دانسته است. اساساً در نظام حقوقی اسلام به‌طور کلی حق و تکلیف با هم وجود دارد. از دیگر سو در این نظام حقوقی، نوعی ضمانت اجرای تکلیفی و شرعی نیز به چشم می‌خورد. در جامعه اسلامی همه شهروندان از حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردارند و در تمام شئون جامعه و حکومت مشارکت دارند که در این منظور، مفهوم شهروند حتی به غیر مسلمانان نیز اطلاق می‌شود. در خصوص مسئولیت شهروندان مسلمان یک جامعه در قبال یکدیگر پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: هر کس شب را به صبح برساند در حالی که به امور مسلمین اهتمام ندارد، از مسلمانان نیست، از آن جهت که هدف اسلام، ساختن همه انسان‌ها و دعوت آنها به احراز مقام خلیفه الهی است، تعاون و همکاری اهمیت بسزایی دارد و در قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع حقوق اسلامی با آیاتی روبه‌رو می‌شویم که ما را به همکاری در کار خیر و عدم تعاون بر گناه و زشتی‌ها سفارش می‌کند. که به خوبی، نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه خود و مشارکت جمعی در سرنوشت جامعه است.

در بحث از حقوق شهروندی و جایگاه آن در اسلام، پیش از هر نکته‌ای باید به این حقیقت توجه داشت که اسلام به عنوان آخرین و کاملترین دین الهی در درون خود تمام قواعد، سنت‌ها و ایده آل‌های بشری را دارد، بدین معنا که می‌تواند پاسخگوی تمامی نیازهای اساسی انسانها و جامعه بشری باشد. از دیدگاه اسلام نه تنها خداوند متعال خالق هستی است بلکه او به تنهایی و بدون هیچ شریکی جهان را تدبیر می‌کند و نیز قوانین حاکم بر شهروندان و جوامع بشری را وضع می‌کند. برای تداوم انسان در زمین و حفظ روابط اجتماعی و سیاسی انسان‌ها، شناخت

حقوق و رعایت آن ضروری است. بدون رعایت حقوق همدیگر زندگی تبدیل به جهنمی می گردد که بشریت در لابه لای شعله هایش می سوزد.

### بیان مساله

با توجه به اهمیت حقوق شهروندی و اینکه آیا اسلام قوانینی برای حقوق شهروندی در نظر گرفته است و این حقوق آیا جایی در بین روایات و احادیث مسلمانان علی الخصوص شیعیان دارد. از طرفی در فقه دینی شیعیان چه مواردی را در رابطه با حقوق شهروندی می توان یافت و اینکه اسلام به عنوان آخرین و کاملترین دین الهی در راستای حمایت از حقوق شهروندی چه ویژگی هایی دارد که در سایر ادیان نیست یا کمتر به آن توجه شده است. سوالاتی بود که به ذهن نویسندگان رسیده و در این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سوالات هستیم.

### مفهوم حقوق شهروندی در اسلام

در سنت اسلامی از مفهوم شهروندی تعبیر مختلفی چون (راع) یاد شده است حدیث شریف نبوی (کلکم مسئول عن رعیتة) نمونه بارز از چنین کاربردی است (نهج الفصاحه، ۱۳۶۲، ح ۲۱۶۳، ص ۴۵۷) تعبیر از راعی و رعیت در سنت اسلامی، ریشه دراندیشه مسئولیت حاکم در رسیدگی به امور مردم و پرورش آنها برای نیل به سعادت دارد (رعی در این مفهوم به معنای پرورش دادن است این تشبیه که ریشه در استعاره چوپانی و رمه دارد، از آن جهت برای حاکم و مردم به کار رفته که چنین دغدغه ای را نشان دهد. مرحوم استاد شهید، مرتضی مطهری با اشاره به اینگونه آموزه های پرشمار در نهج البلاغه، نتیجه می گیرد که (در منطق کتاب شریف قرآن، امام و حکمران، امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آن هاست، از این رو

(حکمران و مردم) اگر بناست یکی برای دیگری باشد این حکمران است که برای توده محکوم است نه توده محکوم برای حکمران. ایشان با اشاره به واژه رعیت که در ادبیات دینی به مردم اطلاق شده، می افزاید: واژه رعیت علی رغم مفهوم منفوری که تدریجا در زبان فارسی به خود گرفته، مفهومی زیبا و انسانی داشته است. استعمال کلمه راعی را در مورد حکمران و کلمه رعیت را در مورد توده محکوم، اولین مرتبه در کلمات رسول اکرم (ص) و سپس در کلمات امام علی (ع) می بینیم. این لغت از ماده رعی است که به معنی حفظ و نگهداری است، به مردم از آن جهت کلمه رعیت اطلاق شده که حکمران عهده دار حفظ و نگهداری جان، مال، حقوق و آزادی های آنهاست. (محسن اسماعیلی، ۱۳۸۸/۵/۲۶، ص ۲) اما به تدریج در تاریخ اسلام با ظهور انحراف ها و بازگشت برخی از سنتهای عصر جاهلی، حاکمان جبار و ظالمی پیدا شده اند که نگاهشان به مردم همچون کسانی نبود که باید آنها را در راه خیر و فضیلت پرورش می دادند، بلکه آنان را همچون بندگان و خدم وحشمی تلقی می کردند که جزو اموال و مستملکات خویش به شمار می رفت چنین انحرافی سبب شد تا با نادیده گرفتن استعاره چوپانی و پرورش برای حاکم، رعیت مفهوم مطیع، فاقد حقوق و محروم تلقی شود و در نتیجه، مفهومی منفی بیابد مفهوم شهروندی در دنیای مدرن اغلب با شهروندی لیبرال و فرد محور پیوند خورده است بر خلاف تفکر غربی، شهروندی در سنت اسلامی با پیوندهای اجتماعی امت اسلامی تقویت شده است؛ از این جهت از منظری کلان، شهروندی در تفکر اسلامی با بعد جمعی حیات آدمی پیوند خورده و در نتیجه طبق تعالیم اسلامی، فرد مسلمان تعهد جدی در قبال جامعه و امت اسلامی دارد. چنین خصلتی سبب شده شهروندی و عضویت در جامعه اسلامی از سنخ شهروندهای عمیق و متعهدانه باشد، اما به رغم تعهدات جمعی فرد مسلمان، در سنت اسلامی از حقوق و امتیازهای شهروندی نیز برخوردار است.

الگوی شهروندی را می‌توان از نمونه‌الگوهای شهروندی فعال، پویا و متعهدانه تعریف و طبقه‌بندی نمود که غایت اصلی آن بستر سازی برای سعادت انسان و نیل وی به مقام خلیفه الهی است. از این رو شهروندی، تعهد اجتماعی و کرامت در ابعاد مختلف در سایه سار حقوق افراد است در اینجا جا دارد یاد آور گردیم که (انسان) در قرآن و اسلام همواره به معنای مطلق نوع بشر از هر نژاد و با هر رنگ و دارای هر مذهب و فرهنگ که باشد، به کار رفته است. کلمه ی (ناس) در قرآن شامل همه مردم جهان می‌شود و اختصاص به مسلمان یا نژاد خاص نیست. پیامبر اکرم (ص) در موقیعت‌های مختلف مکرر می‌فرمایند «الا انکم من آدم و آدم من تراب» (فیض کاشانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۹۵ و عروس حویزی، بی تا ج ۵، ص ۹۶). همه مردم فرزندان آدم اند و از یک نژاد و یک خانواده می‌باشند و آدم از خاک بود و خود برتر بینی، سزاوار فرزند آدم نیست. رسول اکرم (ص) در عمل نیز میان عرب و غیر عرب، مسلمان و غیر مسلمان تفاوتی قایل نمی‌شدند و همه افراد را به یک دید می‌نگریستند؛ بر خلاف تمدن‌ها و فرهنگ‌های مرسوم چه در گذشته چه در حال، که بشر در مفهومی محدود معنا و توصیف شده است، تا جایی که فقط گروه نژادی یا ملتی خاص یا پیروان دین خاصی را شامل می‌شود و دیگر انسانها از دایره ی بشر بودن بیرون مانده اند. از نمونه‌های چنین تفکری می‌توان به بینش یونان باستان درباره غیر آتنی‌ها و روم باستان درباره ی غیر رومی‌ها و برخی فرهنگ‌های معاصر غربی درباره ی مردم غیر قاره اروپا یا غیر سفید پوست اشاره کرد.

### تاریخ تدوین حقوق شهروندی در اسلام

تاریخ تکوین مجموعه حقوقی اسلام با نزول آیات قرآن و گفتار پیامبر و سیره عملی و تقریرهای آن حضرت ترسیم شده است. با گرد آوری آیات قرآن کریم در همان نخستین سالهای

نزول قرآن، اولین مرحله تدوین بشر (که اعم از حقوق شهروندی است) در اسلام انجام گرفت و تبیین مسائل مربوط به حقوق بشر در مجموعه آیات الهی در ذکر حکیم، گردآوری و تدوین شد. از این رو می توان تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام را به دهه دوم قرن اول هجری و دهه های آخر قرن هفتم میلادی نسبت داد و قرآن را درمقایسه با آنچه که در غرب تحت عنوان حقوق بشر تدوین شده است، یکی از کهن ترین اسناد مدون در حقوق بشر شمرده ( عمید زنجانی، ۱۳۸۷، صص ۷ و ۳).

### بررسی حقوق شهروندی در اسلام

بدون تردید با مراجعه به نصوص اسلامی، می توان به وضوح به این حقیقت پی برد که اسلام در تمام مسائل حقوقی صاحب نظر و پیشتاز بوده و حتی جزئی ترین مسائل حقوق را هم از نظر دور نداشته است. در این نوشتار سعی ما بر این است به اهم این حقوق (حقوق کلی و اساسی) بپردازیم، زیرا پرداختن به تمامی این حقوق از حوصله این نوشتار خارج است.

### الف- حق حیات

مهمترین حق انسان، حق حیات است و سایر حقوق از این حق نشأت می گیرد. زیرا اگر زندگی و حیاتی نباشد حقوق دیگر مصداقی نخواهد داشت. حیات و زندگی بزرگترین موهبت الهی است که به انسان عطا شده است: (الحیاه هبه الله) به همین جهت احدی حق از بین بردن یا ضعیف کردن آن را ندارد. این حق از جانب خداوند در امانت اوست و انسان مأمور و مکلف به حفظ آن است. شاید همه شرایع بر این مطلب اتفاق داشته باشند که حفظ حیات و عدم تعدی یا محدود نمودن آن واجب است. در حدیث آمده: (کل المسلم علی حرام دمه وماله و عرضه)

(جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۹) حیات، خود دو گونه است: مادی و معنوی. هیچ فردی مجاز نیست حق حیات مادی یا معنوی دیگران را سلب کند. سلب حق حیات مادی با قتل تحقق می یابد. در دیدگاه قرآن، این کار برابر است با نابود سازی همه جامعه، مگر آنکه با دلیل درستی صورت پذیرد. (من قتل نفسا بغير نفس اوفساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً) هر کس دیگری را جز برای قصاص یا فسادگری بکشد، گویا همه مردم را کشته است (سوره مبارکه مائده آیه ۳۲) سلب حق حیات معنوی به وسیله گمراه سازی صورت می پذیرد، کسی که دیگران را به هر طریقی گمراه میکند، حیات معنویشان را از میان می برد. البته از دست دادن حیات معنوی، به معنای گم کردن سعادت و فلاح است وگرنه روح انسان از بین نخواهد رفت (همان، صص ۱۷۶ - ۱۷۵). از امام صادق درباره این آیه سوال شد ایشان فرمودند کسی که نفسی را از گمراهی به سوی هدایت رهنمون سازد به راستی او را زنده گردانیده و کسی که نفس را از هدایت به گمراهی کشاند والله او را میرانده است (مجلسی، ۱۳۶۲، ش، ج ۲، ص ۱۶). البته اهمیت حق حیات به این معنا نیست که حق در هر شرایطی ثابت است، بلکه محدود به حدود معینی است، چنانچه افرادی اقدام به فساد، قتل نفس یا جنایتی نماید و امنیت مادی و معنوی جامعه را به مخاطره اندازد حق حیات او ساقط می گردد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۲۹۱-۲۹۰).

#### ب- آزادی

«آزادی» از مفاهیم سهل و در عین حال پیچیده است. گرچه نزد هر کسی مفهومی ساده و روشن دارد، اما در عین حال ارائه تعریفی دقیق و منطقی به طوری که ماهیت آن را آشکار سازد، بسی دشوار است. تعاریف ارائه شده از آزادی بیانگر این است که به علت ماهیت آن،

تعریف قابل اجمالی برای آن وجود ندارد. یکی از نویسندگان غربی می گوید: معنای آزادی نیز مانند معنای کلمات خوشبختی، خوبی، طبیعت، حقیقت، به قدری کشار است که با هر گونه تفسیری جور در می آید. سپس می افزاید؛ در کتب عقاید، بیش از دویست معنا برای آزادی به چشم می خورد (برلین، ۱۳۶۸، ص ۲۳۶).

معنای ساده و بسیطی که از آزادی در اذهان مردم وجود دارد، (فقدان هر نوع قید و بندی) است، به طوری که هیچ مانع و سدی در برابر اراده و خواست آنان وجود نداشته باشد، اما متفکران از این معنای ساده گذشته اند و درباره ی حقیقت آزادی به تأمل نشستند که نقل پاره ای از تعاریف آزادی که نخبگان علم سیاست ارائه کرده اند، تفاوت نگرش آنان را به مقوله ی آزادی آشکار می سازد:

- فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسان (همان، ص ۴۶).

- رهایی از بند و زندان و بردگی غیر (همان، ص ۷۱).

مقصود از آزادی این است، حق داشته باشیم آنچه که قانون روا داشته، انجام دهیم. (نظر منتسکیو) (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ص ۴۱۷). آزادی، حالتی است در انسان که به موجب آن شخص می تواند آن طور که اراده کند رفتار نماید (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۳۰). همانطور که ملاحظه شد، پاره ای از تعاریف بالا، آزادی را (مطلق قدرت بر انجام دادن یا ترک کردن فعل) داشته اند و بعضی دیگر آن را (قدرت انجام دادن یا ترک فعل) معنی کرده اند. روشن است بنا بر تعریف دوم منبعی که انجام دادن یا ترک کردن فعلی را برای انسان ضروری و لازم می شمارد، ممکن است بر اساس قانون الهی و یا قانون موضوعه باشد. یکی از محورهایی که مورد توجه اعلامیه حقوق بشر قرار گرفت، آزادی بود. اعلامیه حقوق بشر، در ماده دوم، آزادی را این گونه تعریف می کند: (آزادی عبارت از این است که اشخاص بتوانند هر کاری را که



مایل باشند، انجام دهند، مشروط بر این که عمل آنان، صدمه ای به حقوق دیگران وارد نسازد). در این ماده علاوه بر تعاریف آزادی حد آن نیز مشخص شده و آن (رعایت حقوق دیگران) است. بعضی از متفکران مسلمان، با الهام از معارف اسلامی، آزادی را فقدان مانع در راه اعمال اراده و خواست آدمی در جهت رشد و تکامل تعریف کرده اند (مرتضی مطهری، ۱۳۸۷، صص ۱۳-۱۲). چنان که ملاحظه می شود قید (در جهت رشد و تکامل) تعریف را محدود و مقید می سازد. بدین معنا مراد از آزادی مطلق العنان بودن نیست که شخصی هر کاری را خواست انجام دهد هر چند درباره مکاتب فلسفی غرب، آزادی نامیده می شود.

#### تفاوت دیدگاه اسلام و غرب در مورد آزادی

در مکاتب غربی که بر پایه (فردگرایی) بنا شده (آزادی) عالی ترین هدف سیاسی است و یکی از ارزش هاست و قابل فرو کاستن به ارزش های مادی نیست چنان که ملاحظه می شود، نگاه به آزادی در مغرب زمین با تکیه بر یک سری مبانی با نگاه اسلامی به آزادی متفاوت است. در اندیشه غربی، فرد بر جامعه و مصلحت فردی بر مصلحت اجتماعی اولویت دارد (عباس ص، ۱۳۷۹ش، ص ۶). لذا دولت حق ندارد آزادی فرد را در زمینه های مختلف محدود سازد، چرا که در این تفکر، هیچ ارزشی بالاتر از فرد وجود ندارد ( برلین، ۱۳۶۸، ص ۶۵). مصالح و مفاسد و ارزش ها در این دیدگاه تابع خواست مردم است از این نظر، هر گاه مردم چیزی را بخواهند، آن چیز خوب و به مصلحت انسان است و اگر فرد همان چیز را نخواهد، بد و بر خلاف مصالح است، حتی اگر بر خلاف مصالح واقعی آن باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷ش، ص ۳۷۵). در این تفکر، تنها مانعی که آزادی انسان را محدود می سازد آزادی دیگران است و در جایی که آزادی او مانع و صدمه ای به آزادی دیگران وارد سازد آزادی او محدود خواهد شد. چرا که انسان باید به ناچار در

اجتماع زندگی کند و اگر رعایت آزادی دیگران لحاظ نگردد اجتماع دچار هرج و مرج و بحران خواهد شد. در بینش اسلامی، خداوند خالق انسان، عالم به همه امور وقادر بر همه چیز و مالک مطلق همه موجودات هستی است، به حکم عقل، انسان، باید تابع او باشد و غیر او اطاعت نکند؛ چرا که هیچ موجودی حق امر و نهی و سلطه به انسان را غیر خالق او ندارد. پس هیچ انسانی حق ندارد با وضع قانون دیگران را مطابق میل و اراده خود به اطاعت فراخواند، حتی اکثریت مردم نیز مجاز به تحمیل اراده و خواست خود به اقلیت نیستند، زیرا انسان از قید هر موجود دیگری غیر از خداوند خالق و مالک هستی، آزاد است. همه انسان ها در پیش گاه خداوند، یکسان و برابرند و هیچ کدام بر دیگری فضیلت و برتری ندارند تا حق قانون گذاری یا امر و نهی برای او قرار داده شود (ورعی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸).

در نتیجه مراد از آزادی مطلق العنان بودن نیست که شخص هر کاری را خواست انجام دهد، آزادی اراده و عمل بر اساس خواهش های نفسانی، همانا تبهکاری است نه آزادی انسانی زیرا این گونه تصمیم گیری و عمل کردن، گام نهادن در حیطة حیات دیگران یا محدود کردن و به خطر انداختن آزادی دیگر افراد است. آزادی حقیقی در اراده و عمل زمانی واقعیت پیدا می کند که بر مبنای تعقل و تفکر باشد اما اگر اساس آن امیال و خواسته ها، نفسانی باشد آزادی کاذب است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۱). بر این اساس محدوده آزادی فرد از دید اسلام، علاوه بر حفظ آزادی دیگران و مصالح جامعه، مصلحت، سلامت و رستگاری خود شخص نیز می باشد. امام خمینی در این باره می فرماید: (ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می آموزد که انسان، تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند. مگر این که اطاعت او اطاعت خدا باشد. بر این

اساس، هیچ انسانی هم حق ندارد انسان های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند. و ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود که بسیار ناقص است و یا بنا به خواسته ها و امیال خود تنظیم نماید. و از این اصل، ما معتقدیم که قانون گذاری برای پیشرفت ها، در اختیار خدای تعالی است، همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است و سعادت کمال انسان و جوامع، تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که به وسیله انبیا به بشر ابلاغ شده است و انحطاط و سقوط بشر، به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسان ها است (خمینی، ۱۳۶۰، صص ۱۶۷-۱۶۶). در این دیدگاه همان طور که انسان از بند هوا و خواسته ها درونی آزاد است، از قید تمایلات و خواسته های دیگران نیز آزاد است.

### امنیت

امنیت از نیازهای اساسی و سرنوشت ساز مردم در زندگی است. جامعه امن، زمینه بهره مندی از تمام نعمت ها را به وجود می آورد و استفاده از نعمت ها زمانی گواراست که در فضای آرام و بی اضطراب باشد قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم نقل می کند، او اولین نیازی که از خداوند طلب کرد امنیت بوده و بعد از امنیت نیازهای دیگر را در خواست کرد و در سوره بقره، آیه ۱۲۶ می فرماید (و چون ابراهیم گفت این سرزمین را شهری امن گردان و مردمش را هرکس از آنان که به روز واپسین ایمان بیاورد از فرآورده ها روزی بخش). مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که نسبت به حقوق و آزادی های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیافتند

و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید. لزوم و ضرورت امنیت به این مفهوم در جامعه از طبیعت حقوق بشری ناشی می شود و لازمه حقوق و آزادی های مشروع و مصونیت آن ها از تعرض و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴ش، ص ۴۱۲)

اسلام امنیت را یکی از اصول زندگی و حالتی اجتناب ناپذیر در زندگی جمعی و عنصری ضروری در بهره وری از مزایا و مواهب حیات و نیز زمینه ساز تکامل و ارتقاء بشر تلقی کرده و از آن به عنوان یکی از مقدس ترین آرمان های بشری و الهی یاد نموده است. به طور کلی امنیت در همه زمینه ها ... از مفاهیم با ارزش در حیات اجتماعی است. در طول تاریخ بشر، توسعه و رشد همواره در سایه حداقلی از امنیت فراهم آمده است (پور هاشمی، ۱۳۸۵، ص ۷). امیر مومنان علی (ع) تامین امنیت در جامعه را از علل قیام صالحین و اهداف عالی امامت می داند (نهج البلاغه دشتی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۳۱، ص ۱۷۴).

### ابعاد امنیت

موضوع امنیت به ابعاد متنوعی همچون فردی، سیاسی، اقتصادی و قضایی تقسیم می گردد که در ذیل به اختصار به توضیح آن می پردازیم.

امنیت فردی:

دین اسلام برای ایجاد امنیت کامل افراد دستورهای ارزنده ای دارد که اگر رعایت شود دغدغه و نگرانی انسان بر طرف خواهد شد. قرآن برای ایجاد امنیت و حفظ حیات مادی و معنوی انسانها توجه خاصی داشته و مرتکب قتل و فساد را همانند کسی می داند که همه انسانها را یعنی انسانیت را کشته است (سوره مائده، آیه ۳۲). از دیگر مولف های امنیت های

فردی، امنیت در مال است که در اسلام به این نیز توجه خاصی مبذول شده است. در سوره مائده آیه ۳۸ می فرماید «دست مرد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند به عنوان مجازات الهی ببرید و قطع نمایید» زیرا با این کار امنیت مالی ایجاد می شود. مصداق دیگر امنیت فردی؛ حق کرامت است انسان دارای حیثیت ذاتی است و در هیچ شرایطی نباید حیثیت ذاتی و به عبارت دیگر امنیت شخصیتی و عرفی او از بین برود خداوند در قرآن کریم انسان را در موارد متعددی ستوده و او را اشرف مخلوقات می داند و علم ویژه که به علم اسماء تعبیر شده و از ملاک های برتری می باشد را به او اعطا کرده و انسان را امانت دار خود معرفی کرده، امانتی که آسمان ها، کوه ها و زمین از قبول آن سرباز زدند (سوره احزاب آیه ۷۲). در بحث امنیت فردی در روایات شاید مهمترین نکته ای که جلب توجه می کند حرمت کرامت و شخصیت انسانهاست. پیامبر اکرم در حدیث بلیغی حرمت مسلمان را چنین بیان می دارد: همه چیز مسلمان از مال، آبرو و خونس بر مسلمان دیگر حرام است (نهج الفصاحه، ۱۳۶۲، ج ۲۶۶، ص ۴۵۸).

یکی دیگر از مصداق های امنیت فردی امنیت مسکن است. اسلام برای امنیت مسکن اهمیت فوق العاده ای قایل است و بدون اجازه ورود به مسکن دیگران را ممنوع و تعرض و حتی نگاه کردن به داخل خانه و محل سکونت مستور مردم را از مجوزات دفاع مشروع می شمارد تا آنجا که اگر شخص متعرض به هنگام دفاع صاحبخانه کشته شود، خونس هدر رفته و مهدور خواهد بود (روح الله خمینی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، صص ۴۲۲-۴۱۹). چنین نگرشی نسبت به حرمت داشتن امنیت فردی و اجتماعی افراد تنها در مورد مسلمانان مصداق ندارد و شامل تمام کسانی است که در ذمه و پناه کشور اسلامی زندگی می کنند اعم از اینکه مسلمان یا غیر مسلمان باشند. بهترین نمونه این نگرش اظهار ناراحتی و تاسف امام علی از تعدی به زنان مسلمان و غیر

مسلمانی که در جنگ مورد هجوم قرار گرفته و زیورهای آنان توسط مهاجمین ربوده شده است (نهج البلاغه دشتی، ۱۳۸۴ش، خطبه ۳۷، ص ۵۰).

#### امنیت سیاسی:

امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمانینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و داخلی و همچنین تضمین سرنوشت اجتماعی و سیاسی آن ها می باشد. نظام سیاسی در راستای امکان بخشی و تسهیل مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه می بایستی امنیت و حضور آزادانه و برابر ایشان را فراهم آورد و هیچکس را به داشتن باور سیاسی خاصی وادار یا بازداشت نکند. در واقع امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هرچند مخالف دولت باشد در چارچوب قوانین موجود بیان کند و کسی حق تعرض به دیگران را به دلیل ابراز عقیده سیاسی نداشته باشد. با مطالعه در سیره نبوی و علوی این رویکرد کاملاً مشاهده می گردد. مردم بدون ترس و آزادانه انتقاد کرده و خود را در امنیت می دانسته اند در اینجا به ذکر یک مورد از این قبیل می پردازیم. در زمان خلافت امیرالمومنین علی (ع) هنگامی که حضرت از جنگ جمل وارد شهر بصره شده برخی از یاران با جسارت و حتی گستاخی از آن حضرت غنیمت مطالبه کردند مردمی از بکرین وائل که عبادبن قیس خوانده می شد با زبان تند گفت: ای امیرالمومنین! به خدا سوگند به طور مساوی تقسیم نکردی و در حق رعیت به عدالت رفتار نکردی و در ادامه سخنی اهانت آمیز به زبان راند وقتی حضرت در خصوص کیفیت تقسیم غنائم توضیح داد

همگی اعتراف کردند که ای امیرالمومنین حق با تو بود و ما اشتباه کردیم و استغفار می کنیم (طیبری، ۱۳۸۶ق، ج ۱، صص ۲۴۷ و ۲۴۶).

یکی از جنبه های نظام سیاسی مقبول از دیدگاه اسلام این است که شهروندان باید بتوانند به نقض قوانین اسلام و یا حقوق انسانها اعتراض نمایند. امام علی در نامه به مالک اشتر که به عنوان حاکم مصر تعیین شده بود چنین مرقوم داشتند: برای مراجعان خود وقتی مقرر کن که به نیاز آنها شخصا رسیدگی کنی. مجلس عمومی و همگانی برای آن ها تشکیل ده و درهای آنرا به روی هیچکس نبند و به خاطر خداوندی که تو را آفریده تواضع کن و لشکریان و محافظان و پاسبانان را از این مجلس دور ساز تا هرکس با صراحت و بدون ترس با تو سخن بگوید، زیرا من بارها از رسول خدا این سخن را شنیدم ( ملتی که حق ضعیفان را از زورمندان با صراحت نگیرد، هرگز پاک و پاکیزه نمی شود و روی سعادت را نمی بیند) سپس خشونت وتندی صحبت آنها را تحمل کن، در مورد آنها هیچگونه محدودیت و استکبار روا مدار که خداوند به واسطه این کار، رحمت و اسعش را بر تو گسترش خواهد داد) (نهج البلاغه دشتی، ۱۳۸۴، نامه ۵۳، ص ۴۱۵).

مسلمانان نباید نسبت به کارهای بد و رفتار ظالمانه دیگران بی تفاوت باشند و به طور خاص باید نسبت به جرم هایی که توسط حکومت ها انجام می شود، حساس باشند، زیرا بدترین مجرم ها حاکمان مجرم هستند که بر حق جامعه و امت اسلامی تعدی نمایند. مسأله دیگر در بحث امنیت سیاسی، ایجاد دایره تامین وسیع امنیتی است که رویکرد حکومت اسلامی باید بر همین اصل استوار باشد، در دوران حکومت علوی، مخالفین خود را برای هر اظهار نظر هرچند مخالف رای امام علی آزاد می دیدند، مثلاً خوارج تا وقتی دست به شمشیر نبردند و محاربه پیشه نکردند همچنان از سهم بیت المال از سوی امام بهره می بردند (مرتضی مطهری، ۱۳۸۶، جاذبه و دافعه علی، صص ۱۲۳ و ۱۲۶).

## امنیت اقتصادی:

امنیت اقتصادی عبارت است از میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تامین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین المللی (ماندل، ۱۳۷۷، ص ۱۰۷) به طوری که نیاز اساسی مردم تامین شود و آنها از فقدان و حتی احتمال فقدان این ضروریات احساس خطر ننموده و آرامش و آسایش آن ها سلب نگردد. برای ایجاد امنیت اقتصادی باید دولت با مدارا و رعایت عدل و انصاف از اعضای جامعه مالیات و زکات اخذ کند، و راهکارهایی برای جلوگیری از احتکار کالا، به ویژه کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم اتخاذ نماید و مردم در حفظ اموال خود امنیت داشته باشند یعنی مالکیت خصوصی محترم شمرده شود. قرآن در مبحث امنیت اموال اشخاص، ضمن محترم شمردن مالکیت خصوصی آنها، عدم تعدی به اموال و مالکیت را از نشانه های مومنین می داند در سوره مبارکه نساء آیه ۲۹ می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید اموال همدیگر را به ناروا نخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما انجام گرفته باشد. اسلام در نگرش خود هم به تولید و هم به توزیع سرمایه و نیز دانش و فن آوری و مهار سرمایه های کلان جهت حفظ امنیت اقتصادی و ثبات سیاسی اجتماعی توجه ویژه دارد. تولید، محور اصلی رشد و امنیت اقتصادی است. در این زمینه آموزه ها و منابع اصیل اسلامی و سیره معصومین و پیامبر گرامی دال بر این مدعاست. برخی از فرازهای نهج البلاغه به خوبی نمایانگر وجوه متعددی از ماهیت امنیت اقتصادی است. به عنوان نمونه امام علی به ماموران جمع آوری زکات و مالیات این فرمان را صادر نمود: در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآورده کردن نیازهایشان شکیباً باشید همانا شما خزانه داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید. هرگز کسی را از نیازمندی او باز ندارید و از خواسته های مشروعش محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم لباس تابستانی



و یا زمستانی و مرکب سواری و برده کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی او را تازیانه زنید و به مال کسی که نمازگزار باشد یا غیر مسلمانی که در پناه اسلام است، دست درازی نکنید (نهج البلاغه دشتی، ۱۳۸۴، نامه ۵۱، ص ۴۰۱).

#### امنیت قضایی:

اعتماد شهروندان به قوه قضاییه توانمند و سالم و التزام به قانون و تساوی افراد جامعه در برابر قانون، امنیت قضایی را در جامعه رقم خواهد زد. ملاک و مبنای اصلی ایمنی و امنیت قضایی در یک جامعه، عدالت ورزی آن است. یک نظام باید عدالت پذیر، عدالت گستر و عدالت محور باشد تا بتواند ایمنی واقعی قضایی یا حقوقی آحاد جامعه را فراهم کند. قرآن کریم در همین زمینه، حقوق مردم را به امانت تشبیه می کند که قاضی می بایستی با قضاوت عادلانه آن را به افراد شایسته و مستحق برگرداند لذا در سوره نساء آیه ۵۸ می فرماید: (همانا خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانشان برگردانید و هرگاه میان مردم حکم و قضاوت می کنید، به عدالت دآوری کنید). خداوند متعال برای ایجاد امنیت قضایی از مومنین می خواهد، به خاطر خدا به عدالت شهادت داده و در این راه، دشمنی با دیگران آنها را از مسیر عدالت ورزی و شهادت عادلانه منحرف نکند و در سوره مائده آیه ۸ می فرماید (ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا به داد بر خیزید و به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نورزید، به عدالت عمل کنید که آن به تقوا نزدیکتر است و از خدا پروا دارید). یکی از ساز و کارهای تأمین امنیت قضایی در روایات، رعایت عدالت و تساوی افراد در برابر قانون است که از پایه های اساسی قضاوت محسوب می شود. امام صادق از امام علی روایت می فرماید: هر کس گرفتار قضاوت شد باید در اشاره و نگاه کردن و محل نشستن

تساوی را رعایت کند (حرعاملی، بی تا، ج ۱۸، ص ۱۵۷). تأکید اسلام بر شرایط قضاوت و کارگزاران قضایی و ضرورت انصاف آنها به عدالت، علم، حکمت و تجربه و رعایت دقیق ضوابط توسط ایشان، نشان دهنده عمق و اهمیت این وظیفه سنگین است. البته بین صحت انجام این تکلیف و تأمین امنیت قضایی رابطه متقابل و مستقیم وجود دارد. امام علی با فضیلت ترین مردمان را کسی می داند که به بیشترین حد به حق قضاوت کند (غرر و درر، ج ۴۹۷، ص ۲۰۸).

عدالت:

عدالت اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین رسالت های انبیای الهی، مفهومی عام است که در ابعادی چون تساوی و برابری حقوقی افراد اعم از کارگزاران حکومتی و شهروندان عادی، برابری در پیشگاه قانون و برخورداری برابر از امکانات و فرصت های اجتماعی نظیر آزادی، مشارکت، انتخابات و استفاده از امکانات عمومی تحقق می یابد. اهتمام اسلام به عدل در حوزه رفتار فردی به منظور تحقق عدالت اجتماعی صورت می گیرد، زیرا تنها در جامعه ای می توان الگوی کامل عدالت اجتماعی را مشاهده کرد که کلیه افراد و شهروندان برای استقرار عدالت قیام کنند و نسبت به تحقق آن حساسیت نشان دهند و این امر تنها از رهگذر رسوخ عدالت در حوزه فردی زندگی و انصاف افراد به صفت (عدل) و (عادل بودن) تحقق می یابد. با چنین نگرشی در تعالیم دینی مهمترین فلسفه ارسال پیامبران و نبوت حضرت خاتم برقراری عدالت و قیام همگانی برای برقراری عدالت اجتماعی عنوان می گردد (سجادی، ۱۳۸۲، صص ۱۶۳ و ۱۶۲). قرآن کریم این مهم را در سوره حدید آیه ۲۵ چنین بازگو می کند: «همانا فرشتگان خود را با نشانه های روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردمان به عدالت برخیزند».

ایجاد حکومت برای تحقق عدالت:

در اسلام حکومت، وسیله غیرقابل جایگزینی برای تحقق بخشیدن و حمایت از عدالت است. امام علی (ع) در تبیین علت پذیرش خلافت پس از مرگ عثمان چنین فرمود: به خدا سوگند خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید اگر نه این بود که جمعیت بسیاری گرداگردم را گرفته و به یاریم قیام کردند و از این جهت حجت تمام شده است و اگر نبود از عهدی که خداوند از علما و دانشمندان گرفته که در برابر شکم خواری ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند، من مهار شتر خلافت را رها می ساختم و از آن صرف نظر می نمودم و آخر آن را با جام آغازش سیراب می کردم آن وقت خوب می فهمیدید که دنیای شما در نظر من بی ارزش تر از آبی است که از بینی بزغاله ای بیرون می آید (نهج البلاغه دشتی، ۱۳۸۴، خطبه ۳، ص ۳۱).

حقوق اقلیت های دینی:

هر مسلمانی مکلف است در قبال هر غیر مسلمان مخصوصاً اقلیت های دینی اهل ذمه، رفتاری بشر دوستانه و انسانی داشته باشد. اصل دوستی، اصل برابری، اصل عدالت و اصل رعایت حقوق و آزادی های انسانی از جمله اصولی است که مسلمانان باید در مورد اقلیت های دینی اهل ذمه رعایت کنند که در سوره عنکبوت آیه ۴۶ به این موضوع اشاره شده است.

حقوق و آزادی های اقلیت های دینی:

از آنجا که اسلام انسان را موجودی مسلوب الاختیار نمی داند، در پذیرفتن عقیده و دین او را آزاد گذاشته است تا با حسن انتخاب یا با سوء انتخاب، سرنوشت خود را تعیین نماید. بنابراین

اقلیت های دینی ساکن کشورهای اسلامی بر اساس (لا اکراه فی الدین) الزامی در پذیرفتن اسلام نداشته و می توانند برای همیشه دین خود را حفظ نموده و تحت شرایطی در میان مسلمانان با آرامش زندگی کرده و تحت حمایت حکومت اسلامی قرار گیرند. بنابراین منظور از آزادی مذهبی، آزادی عقیده، آزادی انجام فرایض و مراسم دینی است. حق برخورداری از مقررات و قوانین اختصاصی ادیان خود؛ اقلیت های دینی در مسائل مربوط به احوال شخصیه، از جمله ازدواج، طلاق، ارث و وصیت تابع مقررات ادیان خویش می باشند اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. رسیدگی به اختلافات ناشی از اینگونه مسائل، با کسب نظر از مراجع شرعی آنان، در صلاحیت دادگاه های اسلامی است. برابری با مسلمانان در حقوق انسانی؛ اقلیت های دینی در حقوقی که مبتنی بر حقوق انسانی می باشد حق معامله، حق ازدواج، حق تمتع، حق مالکیت که به این حقوق، حقوق خصوصی نیز گویند از حق کامل برخوردار و با مسلمانان برابر می باشند اصل ۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. در دین مبین اسلام بیش از هر دین و مسلک دیگری به حقوق اقلیت های مذهبی بها و ارزش داده شده است، اقلیت های دینی نه تنها آزادند بلکه حکومت اسلامی موظف به دفاع از آنها می باشد. امام خمینی احیاگر اسلام ناب در عصر حاضر با صحنه گذاشتن بر این مطلب می فرماید: «در اسلام ما، بین اقشار مختلف ملت ها هیچ فرقی نیست. در اسلام حقوق همه ملت ها مراعات شده است. حقوق مسیحیان مراعات شده است حقوق زرتشتیان و یهودیان مراعات شده است. اسلام تمام افراد عالم را بشر می داند و حق بشری برای آنان قایل است، تمام عالم را به نظر محبت نگاه می کند» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰، ص ۳۶۲).

همچنان بیان می فرمود که اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت های دینی (مذهبی) آزادی داده است. آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسانها

قرار داده است بهره مند شوند (صحیفه نور، ۱۳۶۱، ص ۴۸). بحث حقوق شهروندی را با این توضیح خاتمه می دهیم: بهترین حقوقی که می تواند مصالح فرد و جامعه را تامین و از مفسد اجتماعی پیشگیری نماید به حق، حقوق اسلامی است. چرا که با توجه به همه ابعاد وجودی و ویژگی های فطری و طبیعی وضع شده است و با اینکه ۱۴۰۰ سال از پیدایش دین اسلام توسط حضرت محمد (ص) گذشته ولی مقررات در نظر گرفته شده برای حقوق شهروندی نظیری در قوانین و آیین های دینی کشور های دیگر ندارد. با امعان نظر کافی به مطالب یاد شده می توان با رویکرد حقوق شهروندی چنین گفت که مردم مسلمان فارغ از مرزهای جغرافیایی بسان شهروند یک امت واحده هستند که از حقوق مساوی نسبت به یکدیگر برخوردار می باشند.

## نتیجه گیری و پیشنهادها

با بررسی در رابطه با حقوق شهروندی در اسلام به این نتیجه رسیده ایم که کامل ترین دین از لحاظ رعایت حقوق شهروندی و احترام به حقوق اقلیت های دینی و اینکه حقوقی را برای اقلیت های دینی در نظر گرفته دین مبین اسلام است که حتی به اقلیت های دینی نیز اجازه داده تا در انجام فرایض و مراسم مذهبی خود آزاد باشند و در زیر سایه حمایت حکومت اسلامی به انجام فرایض دینی خود پرداخته که چنین تفکر یا حقوقی را ما در ادیان دیگر مشاهده نمی کنیم. بدون تردید با مراجعه به نصوص اسلامی که در این مقاله مدنظر بوده، به وضوح به این حقیقت پی برده ایم که دین اسلام در تمام مسائل حقوقی صاحب نظر و پیشتاز بوده و حتی جزئی ترین مسائل حقوقی را هم از نظر دور نداشته است و با اهمیت دادن به حقوق شهروندان چه مسلمان چه غیر مسلمان، دلیل دیگری بر کامل بودن این دین الهی نیز می باشد. در نظام سیاسی اسلام حق انتقاد از حقوقی که به رسمیت شناخته شده وجود دارد و راهکار سازنده ای برای جلوگیری از خطا و اشتباه دولتمردان در روند اداره جامعه است. حتی این حق انتقاد صحیح را، ما امروزه در صحبت های مقام معظم رهبری می بینیم که ایشان در سال ۸۰ در استان سمنان موضوعی را تحت عنوان کرسی های آزاد اندیشی مطرح کرده و معتقد بودند که در دانشگاه ها باید همچنین جلساتی برگزار شود و دانشجویان به نقد عملکرد دولتمردان پرداخته تا باعث رشد در روند امور جامعه شود.

## پیشنهادهای کاربردی

- تدوین قانونی مستقل در رابطه با حقوق شهروندی و آموزش دادن آن به کارکنان ناجا به خصوص کارکنان کلانتری ها و پاسگاه ها و ماموران پلیس راهنمایی و رانندگی، به دلیل اینکه

ارتباط مستقیم با مردم دارند و با آگاهی نسبت به حقوق شهروندی علاوه بر احترام به حقوق شهروندان باعث می شوند که پلیس در جامعه از محبوبیت خاصی برخوردار شود.

- تبیین حقوق شهروندی در کتب درسی به منظور آموزش و آگاه سازی جوانان و استفاده از رسانه ملی برای آگاه سازی آحاد جامعه و احترام به آنچه که به عنوان حقوق شهروندی شناخته شده است.

- بالابردن آگاهی کارکنان نسبت به اهمیت حقوق شهروندی بین معصومین و یادگیری و احترام به این حقوق بین کارکنان.



## فهرست منابع

- آمدی، عبد الواحد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمد علی انصاری، تهران، بی تا.
- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن شیبانی، ۱۳۸۵ق، الکامل فی التاریخ، ج ۲، بیروت دار صادر، دار بیروت.
- حمد میانجی، علی، ۱۴۱۹ق، مکاتیب الرسول، ج ۲، موسسه دار الحدیث الثقافیه، چاپ اول
- برلین، ایزایا، ۱۳۶۸ش، چهار مقاله درباره آزادی، ترجمه محمد علی موحد، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ بیست و یکم.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۰). تحقیق در نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، تهران، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). حق و تکلیف در اسلام، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ دوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). فلسفه حقوق بشر، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ پنجم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). تفسیر موضوعی قرآن کریم، جامعه در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ دوم.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۱، لایحیاء التراث العربی، بی تا، بیروت لبنان.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸، لایحیاء التراث العربی، بی تا، بیروت لبنان.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۱). صحیفه نور، ج ۳، وزارت ارشاد اسلامی، تهران.



- خمینی، روح الله، ۱۳۶۱، صحیفه نور، ج ۴، وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
- خمینی، روح الله، ۱۴۰۳ق، تحریر الوسیله، ج ۱، منشورات مکتبه الاعتماد، تهران، چاپ چهارم.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۰). عارض خورشید، انتشارات دریا، چاپ دوم.
- سجادی، عبدالقیوم، ۱۳۸۲، مبانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام، موسسه بوستان کتاب، قم، چاپ اول.
- سروش محلاتی، محمد سروش (۱۳۷۵). نصیحت ائمه مسلمین، نشریه حکومت اسلامی، سال اول شماره اول، قم.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ترجمه، محمد تقی مصباح یزدی، ج ۴، موسسه مطالعات دارالعلم، قم، بی تا.
- طبرسی، ابی منصور احمد بن علی بن ابیطالب، ۱۳۸۶ق، الاحتیاج، ج ۱، دار النعمان.
- عروس حویزی، عبدالعلی ابن جمعه، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، بی تا.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴). مبانی اندیشه اسلام، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- فیض کاشانی، المحسن (۱۳۶۲). الصافی فی تفسیر القرآن، ج ۱ و ۲، المکتبه الاسلامیه، تهران، چاپ ششم.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۹۱ق، فروغ کاظمی، ج ۶، دارالکتب اسلامی، تهران.
- گزیده متون حقوقی، ترجمه: اسماعیل صغیری (۱۳۸۵). نشر میزان، چاپ هفتم.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغییر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، چاپ اول.

- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲). بحار الانوار، ج ۲، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲). بحار الانوار، ج ۳، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، ج ۱۹، موسسه الوفاء، بیروت- لبنان، چاپ دوم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳). بحار الانوار، ج ۲۰، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ق، بحار الانوار، ج ۷۴، موسسه الوفاء، بیروت، لبنان.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۴). بحار الانوار، ج ۷۵، کتاب فروشی اسلامیه، تهران، چاپ دوم.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۷). نظریه حقوقی اسلام، ج ۱، انتشارات موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). جاذبه و دافعه علی، انتشارات صدرا، تهران، چاپ پنجاه و پنجم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). آزادی معنوی، انتشارات صدرا، تهران، چاپ چهلم.
- معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی، ج ۲، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ نهم.
- نائینی، حسین (۱۳۸۵). تنبیه الامه و تنزیه المله، تصحیح و شرح: روح الله حسینیان، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- نهج الباغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۸۴). موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین، قم، چاپ بیستم.
- نهج الفصاحه، ابولقاسم پاینده (۱۳۶۲). سازمان انتشارات جاویدان، تهران، چاپ هجدهم.
- ورعی، جواد (۱۳۸۱). حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، چاپ اول.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی های اساسی، میزان، تهران، چاپ اول.